



نیض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوت



عشق آمریکا

به دنبال مقاله محمد جواد ظریف در رسانه آمریکایی و
تئوریزه کردن نسخه تسلیم برای ایران، مردم و فعالان
انقلابی خواستار محاکمه او شدند

آقای ازه ای برخورد با نفوذ دو تابعیتی ها دیگر جای درنگ ندارد
ابوالفضل ابوترابی، نماینده مجلس



فریاد بی وطنی ظریف
علی خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس



لطفاً حداقل ۸ ماه سکوت کنید
سید نظام الدین موسوی، تحلیلگر مسائل سیاسی و نماینده سابق مجلس



ضرورت برخورد با کودتا
مرتضی محمودی، نماینده مجلس



تسلیم نامه ظریف
حجت الاسلام حامد کاشانی



دوگانه سازی از امنیت در برابر رفاه و توسعه، در میانه تهاجم به ایران!
میثم مهدیار، جامعه شناس



خطر ایزکتیو ترامپ یا خطر سویژکتیو ظریف؟
مهدی حسین زاده یزدی، استاد دانشگاه



کاش دستگاه قضائی آقای ظریف را به بازخواست می کشید
حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان



«خنجر به جبهه مقاومت»
حجت الاسلام والمسلمین امیررضا هدایی نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری



جناب ظریف! آن دکمه پیدا نشد!
محسن مقصودی، مجری برنامه تریا



در متن مقاله جناب ظریف هیچ اثری از ایرانی بودن نویسنده نمی بینیم
پرویز امینی جامعه شناس سیاسی



ضرورت برخورد با ظریف
مهدی کوچک زاده، نماینده مجلس



ظریف خطرناک تر از بمب آمریکایی است
حمید رسایی، نماینده مجلس





ابوالفضل ابوترابی
نماینده مجلس

آقای اژه‌ای بر خورد بانفوذ دوتابعیتی‌ها دیگر جای درنگ ندارد

رها بودن چهره‌هایی (روحانی و ظریف) که ترس از سلب تابعیت خود و فرزندانشان، آن‌ها را با سیاست‌های دشمن همسو کرده، سعی برای امنیت ملی است، جناب اژه‌ای مطالبه مردم روشن است؛ برخورد بانفوذ دوتابعیتی‌ها دیگر جای درنگ ندارد.



علی خضریان
عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

فریاد بی‌وطنی ظریف

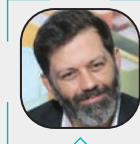
مقاله محمد جواد ظریف در «فارین افرز» فریاد بی‌وطنی فردی است که ثابت کرد قانون منع به‌کارگیری افراد دوتابعیتی در مشاغل حساس، قانون درستی است.

البته این «بی‌وطنی حاد» در حالی در این متن نمونه یافته است که حتی غیر ایرانی‌ها نیز جنایات دشمن از جمله کشتار کودکان

میناب را محکوم کردند.

هیچ بعید نیست فردی چون ظریف که روزگاری خسارت محض برجام را به قول خودش نخوانده امضا کرد و کشور را ۱۰ سال معطل و گرفتار مکانیسم ماشه نمود؛ امروز نیز با فشاری که در میدان نبرد و اقتصادی به آمریکا وارد شده است، تنها مکلف به انتشار متنی نوشته شده برای ایجاد روزنه فرار دشمن بوده باشد.

والا باور این همه بی‌وطنی در اندیشه و قلم یکی از کارگزاران سابق جمهوری اسلامی ایران که شهادت عالی‌ترین مقام کشورش به همراه تعداد قابل توجهی از فرماندهان نظامی، جنایت میناب و دیگر جنایات جنگی در به شهادت رساندن مردم بی‌دفاع را از سوی دشمن آمریکایی-صهیونی دیده باشد، خیلی سخت است.



مهدی حسین زاده یزدی

خطر ایژکتیو ترامپ یا خطر سوپرژکتیو ظریف؟

شاید برای برخی، این پرسش در نگاه نخست، حیرت‌انگیز به نظر برسد، اما با فهم دقیق پرسش و دقت در زوایای پنهان آن، از این حیرت کاسته می‌شود. هدف اصلی از نگارش این متن، نه پاسخ به این پرسش، بلکه تفکر درباره آن است. در وهله

اول، توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. وقتی از خطر «ب» برای «ا» می‌گوئیم، پسای ارزش و مطلوبی در میان است. مثلاً وقتی می‌گوئیم خوردن سرکه خطرناک است، سلامتی را مدنظر داریم. اینجا خطر درباره ارزش «سلامتی» است. در پرسش از خطرناک‌تر بودن برای ایران، پای ارزش «بقا» در مقابل «نابودی و تجزیه» در میان است؛

۲. برای تعیین کردن خطرناک بودن «ب» برای «ا» زمینه و شرایط مهم است. خطرناکی یک عامل، کاملاً وابسته به بستر زمانی-مکانی است. مثلاً خوردن سرکه در شرایط معمولی نه تنها خطری ندارد، مفید هم هست، اما در هنگام سرماخوردگی، خطرناک است؛

۳. یک امر خطرناک، مانند «ا» همیشه یک پدیده ایژکتیو (یعنی) نیست. ممکن است امری سوپرژکتیو (ذهنی) باشد. گاهی یک ایده، یک اندیشه یا حتی یک حالت نفسانی مانند حسادت ممکن است یک زندگی را تا مرز نابودی بکشاند؛

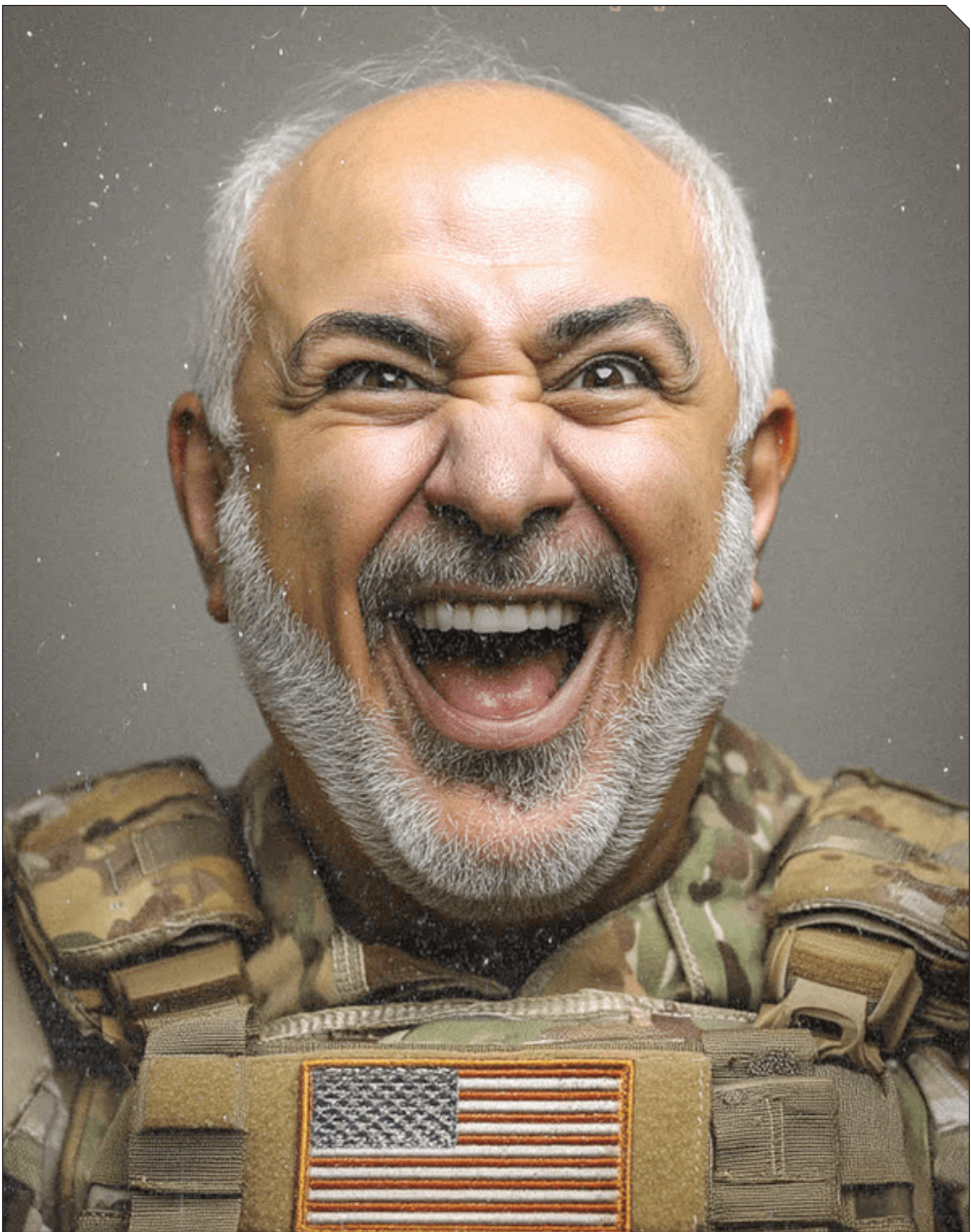
با توجه به این نکات، خطر ترامپ برای بقای ایران یک خطر ایژکتیو است؛ او به ایران حمله کرده و درصدد نابودی آن است تا جایی که زورش برسد؛ اما ظریف چه خطری برای بقای ایران داشته و دارد؟ پاسخ را باید در نقشی یافت که وی در فراهم کردن زمینه برای حمله به ایران، ایفا کرده است. به عبارتی، بی‌تردید در این تجاوز، استکبار جهان‌خوار مقصر است؛ اما چه کسانی ایران را به نقطه‌ای رساندند که استکبار آن را مساعد برای حمله ببیند؟

به نظری رسد سهم ظریف را در این سه مؤلفه می‌توان جست:

۱. تئوریزه کردن تسلیم: وی با بر ساخت دوگانه‌های پوشارلی، «مقاومت میدانی» و «مذاکره دیپلماتیک» را در تقابل با یکدیگر تعریف و مذاکره را به مثابه تنها راه هوشمندانه و میدان را به عنوان راهی پرهزینه و احساسی و غیرعقلانی وانمود کرد. همفکران او در این راستا توانستند با توجه به قدرت و موقعیتی که او داشت، با دیکتاتوری فکری، هر کسی را که دم از مقاومت می‌زد، خشن، جنگ‌طلب، ناپلذ زبان دنیا، ضد مردم و... برچسب زنند و هر که را تسلیم تجویز می‌کرد، آزادی‌خواه روشنفکر، عقلانی، صلح‌طلب و... معرفی کنند. کدام انسان آزاده و متفکری از مذاکره بدش می‌آید و جنگ را تجویز می‌کند؟ آنچه عقلانیت برنمی‌تابد، رؤیافروشی به کسانی است که از بند تحریم‌های ظالمانه، روزگار به عسرت می‌گذرانند؛ مذاکره با کسانی است که به هیچ مذاکره‌ای پایبند نیستند. تئوریسین‌های سازش و تسلیم، اندیشه کسانی که با تسلیم و وادادگی مخالف بودند، مخالف با مذاکره جا زدند و در قالب «واقع‌گرایی دیپلماتیک» کشور را به سمت تسلیم سوق دادند و تسلیم را عادی‌سازی کردند؛

۲. واژگون جلوه دادن واقعیت برای تصمیم‌گیران کشور؛ شاهکار ظریف گزارش‌های نادرستی بود که از متن برجام، در مجلس شورای اسلامی ارائه داد که بعدها کذبش بر همگان آشکار گردید. این وارونه جلوه دادن‌ها به قصه پر غصه فرانچسکو منتهی شد؛ پماند که چه داده‌ها و اطلاعاتی در سایه برجام از کشور خارج شد و...؛

۳. ضعیف و ناچیز وانمود کردن توان نظامی کشور؛ به عنوان مثال، او زمانی که وزیر خارجه ایران بود و در شرایط حساس مذاکره ادعا کرد که آمریکا با یک بمب می‌تواند توان دفاعی ایران را نابود کند. آیا چنین اظهاراتی دشمن سفاک را برای حمله به کشور مصمم نمی‌کند؟ با توجه به این مطالب، وطن عزیز از جان ما، از یک سو با خطر ایژکتیو حمله استکبار جهانی و کودک‌کش به سرکردگی ترامپ مواجه است و از سوی دیگر با خطر سوپرژکتیوی که با تئوریزه کردن تسلیم، تضعیف اراده ملی، عادی‌سازی تسلیم و واژگون‌نمایی واقعیت، زمینه را برای این حمله فراهم آورد و اکنون با تئوریزه کردن چرخه شوم جنگ-مذاکره-آتش‌بس می‌خواهد ایران را، هرچند از روی جهل تا پرتگاه نابودی بکشاند. خطرهای سوپرژکتیو، پنهان و درازمدت است. در شرایطی که یک کشور در محاصره تهدیدات بیرونی است، هر عامل درون سیستمی که «تاب‌آوری جمعی» را کاهش دهد، می‌تواند به اندازه خود دشمن خارجی مرکب‌ار باشد. در نهایت، خطرناک‌ترین وضعیت زمانی رخ می‌دهد که خطر ایژکتیو ترامپ و خطر سوپرژکتیو ظریف با یکدیگر همپوشانی یابند. در این میان، این پرسش به ذهن می‌رسد: آیا دونالد ترامپ برای «ایران» خطرناک‌تر است یا فرانچسکو ژرفی؟



ظریف

سرباز نظام سلطه!

تعیین تکلیف ظریف برای نیروهای مسلح در نشریه آمریکایی

محمد جواد ظریف طی مقاله‌ای در نشریه فارین افرز به تشریح اینکه «ایران چگونه باید جنگ را تمام کند» پرداخته است. مقاله‌ای که طبق روال همیشگی رویکردهای غرب‌گرایان، برضعیف‌نمایی ایران و مقتدرنمایی دشمن متمرکز است.

او در یک ترفند نمایشی با تعارفاتی کلیشه‌ای، آمریکا و اسرائیل را به سبک سازمان ملل محکوم کرده و از دست برتر ایران در جنگ سخن گفته است؛ اما گویا همه این محکومیت‌ها و آن تعاریف، مقدمه‌ای برای چنین تجویزهای تاسف‌باری است: «تهران باید از برتری خود نه برای ادامه جنگ، بلکه برای اعلام پیروزی و دستیابی به توافقی استفاده کند که درگیری را پایان داده و از وقوع جنگ بعدی جلوگیری کند...» توافقی که او در بخش‌های بعدی جزئیات آن را شرح داده است.

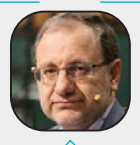
ظریف در ادامه این مقاله رسماً پیشنهاد کرده که «ایران در ازای لغو تحریم‌ها، برنامه هسته‌ای خود را محدود کند و تنگه هرمز را بازگشایی کند!» معنای این سخن نیز چیزی نیست جز اینکه ایران تنگه هرمز را مجانی باز کند، چرا که لغو تحریم‌ها به ازای محدودیت‌های هسته‌ای، موضوع مذاکرات قبلی بوده و کارت بازگشایی تنگه هرمز با ارزش مذاکراتی بالایی که دارد، اساساً ستانده بسیار بالاتری می‌طلبد.

ظریف در ادامه نوشته‌ست که «ایران همچنین باید آمادگی خود برای یک پیمان عدم تجاوز متقابل را اعلام کند که در آن هر دو کشور تعهد دهند در آینده به یکدیگر حمله نکنند!» جمله عجیبی که به طرز حیرت‌انگیزی دو طرف جنگ را از منظر متجاوز بودن در یک موقعیت قرار داده و هر دو را توصیه به عدم تجاوز می‌کند. گویا ظریف فراموش کرده که آغازگر این جنگ برای دومین بار کدام طرف بوده و کیست که تجاوز را در میانه مذاکرات آغاز کرده است.

ظریف با وجود آن که در صدر مطلب توصیه می‌کند «ایران حملات خود به پایگاه‌های آمریکا و مسدودیت تنگه هرمز را تا تغییر رفتار آمریکا ادامه دهد»، ناگهان در پایان مقاله خود نتیجه‌گیری کرده که «ایران هر چه زودتر بتواند جنگ را پایان دهد وضعیت بهتری خواهد داشت!» او البته هیچ توضیحی در این باره نداده که در حین بمباران زیرساخت‌های کشور و در حالی که نشانه‌ای از تغییر رفتار آمریکا مشاهده نمی‌شود، چگونه پایان زود هنگام جنگ به نفع ایران خواهد بود؟

این مقاله البته وجه مغالطه‌آمیز دیگری هم دارد. ظریف در تحلیل خود از هدف گرفتن زیرساخت‌ها ادعا می‌کند «هدف قرار دادن زیرساخت‌های منطقه برای آمریکا مهم نیست» و نتیجه می‌گیرد که رفتار متقابل ایران در این زمینه بازدارنده نیست. این سخن سراسر غلط در حالی مطرح می‌شود که اولاً تمام زیرساخت‌های هدف گرفته شده ماهیت آمریکایی داشته و به گفته تحلیلگران غربی «سرمایه‌های آمریکا» در منطقه در حال تبدیل به «هزینه» هستند؛ و ثانیاً تخریب آن‌ها اثر مستقیم بر فشار مقامات و افکار عمومی بر آمریکا به عنوان متجاوز اصلی دارد که همین مسئله، فشار ایران بر آمریکا برای تغییر رفتار یا ترک منطقه را افزایش خواهد داد.

به نظری می‌رسد بهتر باشد جناب آقای ظریف که سابق بر این ادعا «نابودی سیستم نظامی ایران با یک دکمه آمریکا» و «کشته شدن مردم و سالم ماندن مقامات در صورت حمله آمریکا» را مطرح کرده، بر اصلاح رویکردهای غلط قبلی خود تمرکز کند و به جای تعیین تکلیف برای نظام از حلقوم دشمن، کفاره اشتباهات قبلی خود در خطاهای محاسباتی افکار عمومی را بپردازد.

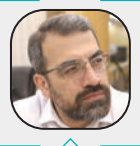


سید نظام موسوی

لطفاً حداقل ۸ ماه سکوت کنید

جناب آقای ظریف! ۸ سال سیاست خارجی کشور طبق نظرات جنابعالی پیش رفت که نتایج و تبعاتش را در مکانیسم ماشه و دو جنگ اخیر دیدیم.

لطفاً به احترام مردمی که حالا دیگر چپ و راست و میانه و ملی و مذهبی همه برگزیده مقاومت تأکید دارند، لااقل ۸ ماه سکوت کنید و نتیجه را ببینید شاید خوششان آمد.



مرتیضی محمودی

نماینده مردم تهران در مجلس

ضرورت برخورد با کودتا

ماهم معتقدیم در وسط جنگ با دشمن نباید حواسمان به حاشیه‌ها پرت شود.

اما مسئله روحانی و ظریف دقیقاً در متن جنگ است، همان‌ها که در آستانه پیروزی ایران، نقش مخدر جامعه برای القای تسلیم را ایفا می‌کنند؛ مردم این شب‌ها بابت افزایش پشت پرده کودتای دی‌ماه که امام شهید

فرمودند مطالبه دارند.



حجت الاسلام حامد کاشانی

تسلیم نامه ظریف

هرچه فکر کردم و متن جناب آقای ظریف را دیدم، به نظرم رسید اگر نام نویسنده متن مشخص نبود، فکرمی کردم، طرف آمریکایی، پیشنهادهایی داده که برای برون رفت از بحران، خواسته‌های آمریکا را تأمین کند و چند وعده سرخرمن شکلات بیچ شده که هیچ دستاورد واضحی جز سرکار گذاشتن

برای ایران ندارد، برای طرف ایرانی در نظر گرفته است.

خجالت هم خوب چیزی است.

امشب در خیابان پاسخ خواهیم داد.

مرگ بر آمریکا

مرگ بر اسرائیل



حسین شریعتمداری

کاش دستگاه قضائی آقای ظریف را به بازخواست می‌کشید

۱- این چند بخش از یادداشت نشریه آمریکایی «فارن افرز» را بخوانید! از مطالعه آن شاید کمی تا قسمتی عصبانی شوید، ولی به خواندنش می‌ارزد. بخوانید!

«ایران باید در ازای پایان همه تحریم‌ها،

محدودیت‌هایی در برنامه هسته‌ای خود اعمال کند و تنگه هرمز را بازگشایی نماید -توافقی که واشنگتن پیش‌تر نمی‌پذیرفت اما اکنون ممکن است آن را بپذیرد... ایران باید آمادگی خود را برای یک پیمان عدم تجاوز متقابل با آمریکا اعلام کند که در آن هر دو کشور متعهد شوند در آینده به یکدیگر حمله نکنند... ایران می‌تواند تعامل اقتصادی با ایالات متحده را پیشنهاد دهد که به نفع مردم هر دو کشور خواهد بود...! بخش‌های دیگری این یادداشت فارن افرز را می‌توانید در گزارش کیهان امروز بخوانید. آنچه به آن اشاره شد، چنانچه یادداشت این نشریه آمریکایی است.

۲- فکرمی کنید نویسنده این یادداشت کیست؟! آنچه در این یادداشت آمده است، نظیر محدودیت در برنامه هسته‌ای ایران! گشایش تنگه هرمز! آتش‌بس! امضای معاهده عدم تجاوز! و... تماماً و بی‌کم و کاست خواسته‌های ترامپ و نتانیاهو است که این روزها پس از ناکامی در حمله نظامی به آن روی آورده و با صدها زبان و قلم از سوی مقامات رسمی آمریکا و رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود و در همان حال، ده‌ها واسطه اروپایی و منطقه‌ای با پیام‌هایی از همین دست به مسئولان کشورمان مراجعه کرده و می‌کنند؛ بنابراین حق دارید که نویسنده این یادداشت را یکی از کارگزاران آمریکایی، اسرائیلی و یا اروپایی بدانید؛ ولی اشتباه می‌کنید!

۳- نویسنده این یادداشت آقای محمد جواد ظریف، وزیر خارجه اسبق جمهوری اسلامی ایران است! همان آقای ظریفی که چند سال قبل، وقتی آمریکا با تهدید ایران به حمله نظامی از کشورمان باج خواسته و پاسخ منفی دریافت کرده بود، در مصاحبه‌ای گفته بود «غربی‌ها از چهار تا تانک و موشک نامی ترسند. از این مردم می‌ترسند. آیا شما فکر کرده‌اید که آمریکا که با یک بمبش می‌تواند تمام سیستم‌های نظامی ما را از کار بیندازد، از سیستم نظامی ما می‌ترسد؟». باید پرسید آقای ظریف! حالا که دشمن از توان نظامی ما به تنگ آمده و حضور مردم نیز در تاریخ بشری نظیر است چرا نسخه تسلیم می‌پیچید؟! همان آقای ظریف که در جریان انتخابات ریاست جمهوری ایران، از آمریکا درخواست همراهی کرده بود و در مصاحبه با شورای روابط خارجی آمریکا گفته بود اگر آمریکا همراهی نکند، طرف مقابل که دشمن آمریکاست در انتخابات برنده می‌شود! همان آقای ظریف که برای لغو تحریم‌ها به مذاکره رفته بود ولی نه فقط هیچ تحریمی لغو نشد، بلکه تحریم‌ها به بیش از دو برابر افزایش یافت، همان که جاسازی مکانیسم ماشه را در برجامی که خود امضاء کرده بود، با قاطعیت نفی می‌کرد ولی برخلاف ادعای دروغ ایشان مکانیسم ماشه در برجام جاسازی شده و مورد استفاده دشمن قرار گرفت! همان که همان که...!

۴- حالا فقط نیم‌نگاهی به پیشنهادهای ایشان در یادداشتش برای فارن افرز بیندازید؛

«پیمان عدم تجاوز متقابل بین ایران و آمریکا!» انگار ما به آمریکا حمله کرده‌ایم؟! و انگار نه انگار که آمریکا نشان داده است به هیچ عهد و پیمانی وفادار نیست؛ و به روی خود نیورده است که دو بار در حال مذاکره دست به حمله نظامی زده‌اند!

گشودن تنگه هرمز! دقیقاً در حالی که آمریکا و متحدانش با استفاده ایران از این اهرم فشار قانونی به تنگ آمده و با فروپاشی اقتصادی و بحران بی‌سابقه روبه‌رو شده‌اند!

محدودیت برنامه هسته‌ای (۱) و...؛

۵- و بالاخره باید از آقای ظریف پرسید اگر این یادداشت را خودتان نوشته‌اید، چرا پذیرش آرزوهای بر باد رفته آمریکا و اسرائیل را به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد کرده‌اید؟! و اگر دشمنان ایران نوشته‌اند، امضای شما پای آنچه می‌کنند؟! و اگر دشمن دیکته کرده و شما نوشته‌اید؟! بگذریم... کاش دستگاه قضائی آقای ظریف را به بازخواست می‌کشید و پاسخ این پرسش‌ها را از ایشان می‌پرسید؟!؛

جناب ظریف! آن دکمه پیدا نشد!



محسن مقصدوی
مجری برنامه تریا

۳۵ روز است که ترامپ و فرماندهان آمریکایی دارند دنبال آن دکمه‌ای می‌گردند که ظریف گفته بود، آمریکا می‌تونه با فشردن یک دکمه کل تجهیزات نظامی ایران رو از کار بندازه! حالا که فرمانده ستاد ارتش آمریکا و ۱۲ تا ژنرال به خاطر استیصال مقابل ایران برکنار شدند، جناب ظریف اومده در مقاله‌ای نوشته حالا که در جنگ با آمریکا دست برتر داریم، بیایید با آمریکا صلح جامع کنیم و به ۴۷ سال خصومت پایان دهیم! و با آمریکا پیمان عدم تجاوز مقابل امضا کنیم!

شرم کنید! جناب ظریف اینکه مردم ایران نجابت به خرج می‌دهند و به خاطر حفظ اتحاد ملی به روی شما و رفقایانتان نمی‌آورند که نظرات و اقداماتتان در مذاکره و اعتماد به آمریکا، چقدر فانتزی و ساده‌لوحانه بوده است دلیل نمی‌شود که شما همان مسیر را مجدداً ادامه دهید! ظاهرأ شما هنوز هم به وعده آمریکا در مذاکرات، اعتماد دارید!

قبلاً این را هم گفته بودید که اگر با آمریکا جنگی شود یک کدام از مسئولین هدف قرار نمی‌گیرند و مردم ایران هستند که تاوان می‌دهند... نیاز به توضیح نیست که چقدر از مرحله پرت هستید...

جناب ظریف! نه قدرت مردمست رو شناختی نه قدرت نیروهای مسلح ایران رو و نه حتی میزان قدرت دشمن و ضعف‌هایش رو! هنوز متوجه نشدی ریشه مقابله استکبار با ایران اسلامی چیست و از این رو نسخه پایان ۴۷ سال خصومت، صلح جامع و تعامل اقتصادی مشترک میان ایران و آمریکا می‌نویسید!

جناب ظریف! از خواب بیدار شوید... متأسفانه شما ساده‌لوحانه، اسپیراوه‌می بودید که استکبار رو کد خدا و همه‌کاره جهان می‌دانست! و امروز سربازان امام شهید ما به شما و همه دنیا نشون دادن که قدرتِ خدا از ابرقدرت‌های پوشالی بالاتره... در این ایام که همه نظرات قبلی شما در میدان عمل باطل شده، بهتر است سکوت کنید و از نجابت مردم و مسئولان سوءاستفاده نکنید...

در متن جناب ظریف هیچ اثری از ایرانی بودن نویسنده نمی‌بینیم



پرویز امینی
جامعه‌شناس سیاسی

وقتی به لحن نوشتار و سبب‌هایی که در جملات متن جناب ظریف در فارن افرز توجه می‌کنید، هیچ احساس نمی‌کنید که نویسنده این متن، یک ایرانی باشد؛ حتی نمی‌خواهم بگویم که نویسنده متن، خودش یکی از کارگزاران اسبق جمهوری اسلامی است؛ یعنی ایرانی بودن نویسنده متن، هیچ دلالتی در متن ندارد. [انگار نه انگار که نویسنده متن] کشورش در معرض تهاجم و جنگ قرار گرفته، عالی‌ترین مقام رسمی اش به شهادت رسیده و ترور شده، جمع زیادی از نیروهای نظامی اش به شهادت رسیده، فاجعه مدرسه میناب و مسئله ناودنا رخ داده؛ انگار که هیچ کدام از این موارد در سازمان ذهنی نویسنده متن حضوری ندارد.

در مسئله برجام، مسئله‌ای پیش آمد به نام فرانچسکو گیت و گفته شد که بخشی از متن برجام پیشنهاد آقایی به نام فرانچسکو بوده و پیشنهادات او بی‌آنکه جرح و تعدیل و اصلاحی در آن اعمال شود، در متن برجام گنجانده شد! حالا امروز وقتی متن جناب ظریف را می‌خوانی همین حس را داری که انگار در محیط بین‌الملل برای یک فرانچسکو نامی سوالاتی مطرح شده که این جنگ چگونه باید پایان پیدا کند و متنی را نوشته، می‌خواهم بگویم وقتی به فرم نوشتار نگاه می‌کنی، ما می‌توانیم این متن را به نام فرانچسکو هم منتشر کنیم و تفاوتی بین اینکه این متن را محمد جواد ظریف نوشته که یک ایرانی است و خودش در حال تجربه جنگ، هزینه‌ها و خسارت‌های مادی و معنوی آن است یا یک فرانچسکو بی‌که فارغ‌بال و فارغ‌دل و بدون هیچ احساس وجودی از جنگ است وجود ندارد.

ضرورت برخورد با ظریف



مهدی کوچک‌زاده
نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

آقای دادستان! اگر خودتان فرصت نمی‌کنید از یکی از همکارانتان که با اوضاع فعلی جنگ احتمالی سوم آشناست، بخواهید یکبار مقاله وزیر اسبق خارجه که در مجله بیگانه درج و سایت منحن جماران نسخه فارسی آن را منتشر نموده (اینجا) را بخوانند و به پیشنهادهای ذلیلانه‌ای که وصول به آن با دست کشیدن از مقاومت و روی آوردن به مذاکره، پیشنهاد شده و دشمن نتوانسته با جنگ و جنایت به آن دست یابد را بخوانند!

آقای دادستان! روی موج خون عزیزترین بندگان خدا و در رأس آنها امام شهیدمان،

چرا اجازه داده می‌شود کسی که بخش عظیمی از ملت ایران او را خیانتکار و یکی از عوامل رسیدن به نقطه فعلی و تحت تهاجم و حشیشانه آمریکایی-اسرائیلی قرار گرفتن می‌دانند، پیشنهادهای خود به ایران که نسخه تسلیم قطعی و نابودی ایران است را با درج مقاله در مجله بیگانه و به زبان بیگانه مطرح کند و سایت تحت مدیریت حسن مصطفوی ترجمه آن را درج و در میان توده‌ها پخش کند!؟

این سنخ رفتارهای خائنانه موجب هدر رفتن خون عزیزترین اولیای الهی و عدم رسیدگی به آن در پیشگاه خدا و بندگان مظلوم آن، موجب شراکت در این امر محسوب می‌شود!

دوگانه‌سازی از امنیت در برابر فاه و توسعه، درمیان تهاجم به ایران!



میثم مهدیار
جامعه‌شناس

هفته پیش نوشتیم که یکی مهمترین اشتباهات جریان روشنفکری لیبرال در ایران دوگانه سازی از امنیت در برابر توسعه و رفاه و آزادی بوده است در حالی که اساساً در غرب پروپلماتیک آغارین علوم انسانی و اجتماعی مسئله نظم و امنیت بوده است (ماکیاویلی، هابز و...) و بعدها در تعدیل و تصحیح آن قرارداد اجتماعی، جامعه مدنی و یا دموکراسی طرح شده‌اند.

از همین رومدرنیته و استعمار همزاد بوده‌اند اما روشنفکر لیبرال ایرانی چون غرب را از ته آن (از نیمه دوم قرن بیستم به قبل) می‌خواند از همین سازمان بین‌المللی نباید از ایران در مقابل حمله به مردم، نیروهای امنیتی و انتظامی، تاسیسات هسته‌ای، دانش آموزان، امدادگران، دانشگاه‌ها و... مراقبت کند؛ اما امثال آقای ظریف علیرغم شکست‌های چندباره در مذاکرات با غرب در چند دهه گذشته و پیش از همین جنگ‌های احتمالی هنوز در فانتزی پارادایم لیبرال روابط بین‌الملل به سر می‌برند که در آن امنیت نه با بازدارندگی بلکه با توافق و تضمین سیاسی و نظارت نهادهای بین‌المللی به دست می‌آید.

در جهان آتارشیک امروز که در آن زور بر همه چیز برتری دارد توسعه پایدار در گرو امنیت پایدار است. تجربه کشورهای عربی و شرق آسیا در همین جنگ رمضان نشان داد که امنیت را هم نمی‌توان برون‌سپاری کرد یا آن را خرید. امنیتی می‌تواند در خدمت توسعه پایدار قرار گیرد که درون‌زا و منتهی به مؤلفه‌های بومی باشد.

تجربه دو تهاجم اخیر قاعداً باید ضرورت تغییر پارادایم از دوگانه‌سازی میان امنیت و توسعه به درک امنیت به عنوان پیش‌زمینه توسعه و آزادی در جهان آتارشیک فعلی را برای روشنفکران لیبرال ما روشن کرده باشد اما به نظر می‌رسد کلیشه‌های ذهنی استعماری مانع از چنین تغییر پارادایمی شوند.

خنجر به جبهه مقاومت



حجت الاسلام
والمسلمین
امیررضا هدایی
نماینده مردم خوزستان
در مجلس خبرگان رهبری

در ایامی که ملت سلحشور ایران اسلامی با اقتداری بی‌ظنیر در برابر هجمه‌های وحشیانه استکبار جهانی ایستاده‌اند و پیش از ۳۰ شب است که با حضور حماسی در میدان، سیلی محکمی بردهان یابوه‌گویان می‌زنند، بار دیگر شاهد شرم‌پاشی و تئوریزه کردن تسلیم از سوی کسانی هستیم که کارنامه سیاهشان جز خسارت محض و تضعیف مؤلفه‌های قدرت ملی، عایدی برای این مرز و بوم نداشته است.

انتشار مقاله ذلت‌بار محمد جواد ظریف در نشریه آمریکایی و اظهارات فریب‌کارانه حسن روحانی، نه یک موضع‌گیری سیاسی، بلکه خنجر می‌زهرآگین بر پشت جبهه مقاومت و پالس فروپاشی از درون به دشمنی است که در باتلاق شکست‌های خود دست‌وپا می‌زند.

اینجانب به عنوان زبان گویای مردم ولایت‌مدار خوزستان، ضمن محکومیت قاطعانه این رویکردهای خائنانه، نکات زیر را با صراحت تمام اعلام می‌دارم:

۱. جای بسی حیرت و انزجار است که هرگاه رژیم تروریست آمریکا در محصله‌ای راهبردی گرفتار می‌شود و زیرساخت‌های نفوذش توسط فرزندان غیور این ملت در هم کوبیده می‌شود، جریان نفوذ و غرب‌گرا به عنوان «فرشته نجات استکبار» وارد عمل شده و با دیپلماسی التماسی، به دنبال باز کردن گره از کار دشمن هستند. آقای ظریف با چه مجوزی از کیسه ملت، حاکمیت بر تنگه هرمز و دستاوردهای هسته‌ای را به حراج می‌گذارید؟! این رفتار شما چیزی جز «دلالتی برای امنیت آمریکا» نیست.

۲. کسانی که امروز نسخه تعهد و عدم تعرض می‌پیچند، گویا چشمان خود را بر واقعیت تلخ شهادت امام خامنه‌ای، کودکان مظلوم، مردم بی‌گناه و سرداران سرافرازمان بسته‌اند. شما از توافق یا دشمنی سخن می‌گویید که حتی در حین مذاکرات ادعایی شما، از خون ریختن دست نکشید و زیرساخت‌های حیاتی کشور را هدف قرار داد. پیشنهاد پیمان عدم تجاوز با گرگی که دندان‌هایش به خون مطهر عزیزان ما رنگین است، خیانت صریح به خون شهدا و آرمان‌های انقلاب است.

۳. آقایی که پیش‌تر با ادعای واهی «نابود شدن سیستم نظامی ایران با یک دکمه»، بذر ترس در دل‌ها می‌کاشتند، امروز نیز در پی سلب بازدارندگی ایران هستند. اعلام پیروزی دروغین و عقب‌نشینی در زمانی که ایران در اوج اقتدار میدانی است، تلاشی مذبوحانه برای تحمیل یک «جام زهر» دیگر به نظام است. بدانید که دوران «دیپلماسی التماسی» و «زانو زدن مقابل امیران منطقه» به پایان رسیده است.

۴. در حالی که مردم ایران بیش از یک ماه است زیر فشارهای مختلف، با حضور در خیابان‌ها بر طبل ایستادگی می‌کوبند، نسخه پایان زود هنگام جنگ و دادن امتیازات راهبردی، توهینی آشکار به شعور و غیرت ملی است. شما به جای تعیین تکلیف برای نیروهای مسلح مقتدر، باید پاسخگوی هشت سال درجا زدن کشور و شرطی کردن اقتصاد ملی به لبخند دشمنان باشید.

ما به این جریان هشدار می‌دهیم! اجازه نخواهیم داد با قلم‌فروشی در نشریات بیگانه، اراده این ملت بزرگ را متزلزل کنید. این ملت بزرگ اجازه نخواهد داد با زماندگان تفکر شکست‌خورده برجام، بار دیگر امنیت و عزت این مرز و بوم را به ثمن بختی به یغما ببرند.

بزرگ‌ترین مظلومان جهان!



نامه جمعی از استادان دانشگاه صنعتی اصفهان به ظریف

جناب آقای دکتر ظریف، وزیر محترم خارجه اسبق جمهوری اسلامی ایران! در شرایطی که تحولات میدانی نبرد تحمیلی آمریکا با اسرائیل کاملاً بی‌فایده‌اند و است‌فروغ آمریکایی زیر ضربات گندگنده نیروهای مسلح ایران در حال له شدن است، جناب عالی طی مقاله‌ای در نشریه فارین افرز با عنوان «ایران چگونه باید جنگ اتمام‌گند، پیشنهاده‌داده‌اید: ایران تنگه هرمز را دوباره باز کند: محدودیت‌ها بر برزنامه هسته‌ای خود راهم ببیزد و با آمریکا پیمان متقابل عدم تعرض و همکاری‌های اقتصادی ببیند: آمریکا هم تحریم‌ها را لغو کند!

۱- آقای ظریف! بیش از یک‌ماه از آغاز جنگ تحمیلی گذشته. در این مدت کجا بودید که آل‌ان زبان باز کرده‌اید؟! حال که نشانه‌های شکست قطعی آمریکا و ناکامی اش در گشایش تنگه هرمز مسجل شده، به سخن آمده‌اید؟! بجای اینکه به دشمن صرماً بگویند باید به تجاوزنش پایان دهد، به ایران پیشنهاد می‌کنید که «فاج مشروع» خود پایان دهد؟! چه شده که سراسیمه، سیگنال مطلوب آمریکا را ارسال می‌کنید؟!

۲- تنگه هرمز در حال حاضر، یکی از بزرگ‌ترین برگ‌های برنده ژئوپلیتیک ایرانیان است که منافع اقتصادی بسیار زیاد و طولانی مدت برای مردم مردم خواهد داشت. بازگشت تنگه ترمز به حالت قبل، از هر لحاظ اشتباه و به ضرر ایرانیان است. در حالی که مطالبه مردم و دستور

صریح رهبر معظم انقلاب بر انسداد تنگه هرمز است و در شرایطی که ترامپ به دنبال راه گریز از باتلاقی است که در آن گرفتار شده، بسته پیشنهادهی شما دقیقاً چه تفاوتی با خواسته‌های دشمن دارد؟! آیا نام این پیشنهاد، خسارت محض شماره ۲ (پس از برجام) است یا خیانت به منافع و امنیت ملی ایرانیان؟!

۳- جنابعالی ید طولانی در سوزاندن برگ‌های برنده ایرانیان در مقاطع حساس داشته‌اید. پس از تحمیل برجام که به قول رهبر شهید انقلاب خسارت محض بود، هنوز دست‌از معامله برسر مهم‌ترین دارایی‌های راهبردی مردم ایران برنداشته‌اید؟! چگونه به خود اجازه می‌دهید (هم‌چون برجام) برای ایران نسخه تحویل‌داری‌های نقد، فوری، قابل‌سنجش و غیرقابل بازگشت خود را تجویز کنید و بری‌ای طرف مقابل گزینه کاملاً مبهم «رفع تحریم» اگزنه‌ای که مشخص نیست دقیقاً چه چیزی، با چه سازوکار حقوقی، با چه ضمانت اجرائی و کدام سازوکار آرمایی است! ۴- شما استاد طراحی دوگانه‌های جعلی و انحرافی در مقاطع حساس بوده‌اید. جنگ تحمیلی کنونی، بی‌وچی همه دوگانه‌های جعلی‌ای تان را بری مردم شریف ایران برملا کرد:

الف- با ساختن دوگانه جعلی جدید «امنیت‌زدگی»، ادعا کرده‌اید توافق با آمریکا می‌تواند به ایران اجازه دهد تمرکز خود را از امنیت نظامی، به بهبود شرایط زندگی مردم در داخل کشور

متن «ظریف» رایک آمریکایی نوشته؟

محمد جواد ظریف، وزیر خارجه پیشین ایران اخیراً مقاله‌ای در فارن افرز منتشر کرده‌است. متن این مقاله به‌گونه‌ای است که اگر اسرم نویسنده را حذف کنیم، مخاطب نمی‌تواند تشخیص دهد که نویسنده مقاله، یک ایرانی است یا یک آمریکایی! ظریف در بخشی از این مقاله آورده‌است: «ایران باید از برتری خود نه‌برای ادامه جنگ، بلکه برای اعلام پیروزی و دستیابی به توافقی استفاده کند که درگیری را پایان دهد و از جنگ بعدی جلوگیری کند.» ظریف در ادامه، علیرغم اینکه به عهد شکنی آمریکا در گذشته و خریدار نداشتن پیشنهاد مذاکره در میان مردم مردم ایران ادعا می‌کند، اما باز هم از امکان رسیدن به توافقی تازه با آمریکا سخن می‌گوید: توافقی که در آن ایران در برابر رفع تحریم‌ها، محدودیت‌هایی بر برزنامه هسته‌ای خود ببیزد. تنگه هرمز را بازگشایی کند و نوعی پیمان عدم تعرض متقابل را با واشنگتن دنبال کند. این پیشنهاد همان منطق قدیمی «مذاکره به هر قیمت» و واگذاری امتیازهای روشن در برابر وعده‌های مبهم را بازتولید می‌کند. و همین‌جاست که مسئله اصلی آغاز می‌شود.

مشکل فقط این نیست که این پیشنهادها به تجربه‌های گذشته شبیه‌اند: مسئله این است که آن تجربه‌ها هنوز حل نشده‌اند. ایران بارها وارد چارچوب‌هایی شده که در آن، تعهداتش دقیق فوری و قابل اندازه‌گیری بود، اما تعهدات طرف مقابل در زبان تفسیر اراده سیاسی و امکان بازگشت کرد خود بود. نتیجه هم روشن بود: هر بار که توازن تعهد و تضمین به هم خورد، توافق به جای اینکه سپر امنیتی باشد، به نقطه آسیب‌تبدیل شد؛ بنابراین، وقتی دوباره همان نسخه با واژگانی تازه و بسته‌بندی نرم‌تر ارائه می‌شود، طبیعی است که افکار عمومی آن رانه یک راه‌حل، بلکه یک بازگشت خطرناک به مسیر آژوده‌شده تلقی کند. از این زاویه، مقاله ظریف بیشتر از آنکه یک طرح خروج از بحران باشد، شبیه یک دعوت دوباره به همان هندسه ناموزن‌ان گذشته است. اومی خواهد از فرصت موجود برای رسیدن به توافق استفاده‌شود، اما توضیح نمی‌دهد چرا باید فرض کرد این بار رفتار آمریکا متفاوت خواهد بود. آیا ساختار تصمیم‌گیری در واشنگتن تغییر کرده‌است؟ آیا تضمینی وجود دارد که هر

توافقی، با تایید رئیس‌جمهور یا تایید راولویت‌ها، به آسانی زیر پا گذاشته نشود؟

از سوی دیگر، ظریف در این مقاله در اقدامی مسیوق به سابقه، عملاً میدان و دیپلماسی رادر برابر هم‌فراری می‌دهد. اومی کوشد بگوید که ادامه جنگ فقط به فرسایش و خسارت بیشتری انجامد و باید با توافق، از جنگ بعدی جلوگیری کرد؛ اما این گزاره در متن سیاسی ایران، بی‌واسطه به معنای کم‌رنگ کردن منطق بازازاندگی و ایستادگی خوانده می‌شود. جامعه‌ای که سال‌ها با فشار، تهدید و تحریم ریزسته از هر گفتاری که بوی عقب‌نشینی و ضعف و انفعال بدهد، حساس می‌شود و واکنش منفی نشان می‌دهد. چرا که تجربه به او آموخته که عقب‌نشینی امروز، ممکن است مطالبه‌های فردا را بیشتر کند. در این معنا، مسئله فقط محتوای مقاله نیست، بلکه اثر سیاسی آن است؛ تولید تردید، تشویق دوگانه‌سازی و جان‌انداختن این تصور که راه عزتمندانه، از راهم از مسیر امتیازهای می‌گذرد. هم‌زمان با مقاله ظریف، پیام حسن روحانی رئیس‌جمهور پیشین ایران نیز منتشر شده‌است. این پیام هر چند بازبانی متفاوت نگاشته شده، اما خواسته یا ناخواسته در کنار مقاله ظریف، «پازل دشمن را تکمیل می‌کند». روحانی در این پیام، از ایستادگی، محافظت از کشور، ضرورت اصلاحات و آمادگی برای پایان عزتمندانه جنگ سخن می‌گوید؛ اما این ترکیب تاوقتی به طرح عملی تبدیل نشود، بیشتر به یک جمله بندی موزان، شعاردار و تکیه‌تقشه واقعی، اصلاحات کدام‌اند! پایان عزتمندانه‌ها چه ابزار و تضمینی! و مهم‌تر از همه، آیا این زبان، به جای تقویت اعتماد عمومی، صرفاً فضای روانی ایهام را بازتولید نمی‌کند؟! جامعه‌از شعارهای نرم ولی کوشسته است. مردم می‌خواهند ببینند هر موضعی، دقیقاً چه نسبتی با امنیت، معیشت، بازازاندگی و آینده کشور دارد. و راهم خوش صدا اگر هر‌حال روشن نرسند، خیلی زود به بخشی از همان مسئله تبدیل می‌شوند.

نکته مهم‌تر این است که هر دو متن، به‌نوعی، مسئله اصلی ایران را از جای درست دور می‌کنند. مسئله ایران، صرفاً توافق نیست و نباید هم باشد. مسئله، نگرار چرخه‌ای است که در آن، طرف مقابل هر بار با ابزار فشار، ابرار را به سمت واگذاری و بیشتر‌های می‌دهد، بدون آنکه هزینه‌قابل اعتمادی برای بدعهدی اش بپردازد. اگر توافقی وجود داشته باشد که این چرخه را بشکند، باید درباره اش حرف زد؛ اما وقتی از همین ابتدا معلوم نیست ضمانت کجاست، تعهد کجاست و هزینه نقض تعهد برعهده کیست، اصولاً چرا باید آن را ر‌حال دانست؟ صلح بدون تضمین، فقط آژامش موقت است؛ و آژامش موقت، در سیاست خارجی، گاهی مقدمه ضربه بعدی و ضربه سنگین ترمی‌شود.

از همین رو، نقد مقاله ظریف و پیام روحانی، نقداً اعتماد بی ضمانت، امتیازدهی نامتوازن و روایت‌سازی خوش ظاهر اما کم‌عق است. پیش‌از است‌اقای روحانی و ظریف که آل‌ان مسئولیتی در ساختار اجرائی کشور ندارند، سکوت کرده و بیش از این مردم عزیز کشورمان را ناآرامت و ناامید ن‌کنند و اجازه دهند میدان و دیپلماسی، مسیر عزتمند خود را طی کرده‌وسی فراموش نشدنی به دشمن بدهد.

نقدی بر درک ارتجاعی محمد جواد ظریف از تحولات بین‌المللی

محمد جواد ظریف در یادداشت اخیر خود در نشریه آمریکایی فارن افرز، بازکرد ارتجاعی از جهان آمریکایی و وضعیت

جنگ، تلاش کرده‌است راهکاری برای پایان دادن به درگیری با آمریکا و اسرائیل ارائه دهد. هرچند این یک درخواست جهت‌یازگشت به نظم متوازنانه آمریکایی است، اما او از «شاهکار تاریخی مقاومت» ایران می‌گوید، از «دست بالا» سخن می‌راند و پیشنهاد پیمان عدم تجاوز و توافق صلح جامع را مطرح می‌کند.
باین حال آنچه در یادداشت او به‌طور جزئی‌دناکی مشهود است، مقاومت ظریف در برابر درک جهان جدید و تلاش او برای بازگرداندن عقربه‌های سیاست به گذشته‌ای است که دیگر هرگز بازنخواهد گشت. ظریف می‌نویسد: «پیمان باید از دست باقی خود نه‌برای ادامه جنگ، بلکه برای اعلام پیروزی و انجام معامله‌ای استفاده کند که هم به این درگیری پایان دهد و هم از درگیری بعدی جلوگیری کند». این جمله، گامون اصلی خطای راهبردی و ارزش‌ناشن ای‌دهد. ظریف همچنان در چارچوب ذهنی دهه‌های گذشته آسوده‌مانده، چارچوبی در آن «معامله با آمریکا»، پیمان عدم تجاوز و «بازگشایی تنگه هرمز» می‌تواند نظمی‌یابد. در جهان ایجاد‌کننده و نظم‌مبنی و بی‌طرف آمریکایی ارتضمین‌دهد. اما واقعیت این است که جهان غرب آسیا بلکه جهان در قلمرویی فراتر از غرب



حمید رسایی

نماینده مجلس

ضرورت برخورد قضایی با ظریف

جواد ظریف در نشریه «فارین افرز» یادداشتی منتشر کرده و ضمن اعلام اینکه «ایران پاسخ تجاوز را داده و دست برتر را دارد»، پیشنهادت و خواسته‌هایی را مطرح کرده که جای تأمل جدی دارد و در تضاد آشکار با سیاست‌های اعلامی جمهوری اسلامی ایران و دو بیانیه رسمی سید مجتبی‌امام خامنه‌ای است.

ظریف در این یادداشت، راهکارهای زیر را مطالبه کرده است:

- در شرایطی که ایران دست برتر را دارد، با آمریکا به توافقی دست یابد تا «پیروزی» اعلام شود.
- محدودیت‌هایی بر برنامه هسته‌ای ایران در ازای رفع تحریم‌ها و بازگشایی تنگه هرمز اعمال گردد.
- پیمان عدم تجاوز دو جانبه‌ای منعقد شود تا از حمله مجدد جلوگیری به عمل آید.

۴. تعاملات اقتصادی با آمریکا برقرار گردد که به نفع مردم هر دو کشور باشد!

بدون تردید، این یادداشت در راستای تضعیف خط مقاومت نیروهای مسلح، ایجاد تردید در اذهان مردم و طبعاً به سود متجاوزین و مغایر با سیاست‌های اعلامی نظام در این جنگ است:

تضاد با سیاست‌های کلان نظام؛ بستن یا کنترل تنگه هرمز در شرایط تهدید، یکی از برگ‌های راهبردی ایران بوده که در اولین پیام امام خامنه‌ای بر آن تأکید شده است. «لق کردن» این برگ برنده با عنوان «رفع تحریم‌ها در قبال بازگشایی» در شرایط فعلی، برخلاف اصل «نه‌بر برابر فشار» و قطعاً در راستای منافع آمریکا است.

راستی! مگر روحانی و ظریف مدعی نبودند که با برجام، گلیه تحریم‌ها برداشته شده است؟! چطور اکنون پیشنهاد بازگشایی تنگه هرمز در برابر برداشتن تحریم‌ها را مطرح می‌کنند؟!

تفاوت مفهوم «پیروزی» در اندیشه مقاومت؛ در بیانیه‌های رسمی نظام، پیروزی زمانی حاصل می‌شود که عقب‌نشینی کامل دشمن از مواضع تهدیدکننده و از رفتن توان تجاوز و موثق گردد، نه صرفاً «اعلام پیروزی» در برابر یک آتش بس موقت. بدون تردید این مهم زمانی رخ می‌دهد که پایگاه‌های آمریکا، برج‌ده و رژیم صهیونیستی از صفحه روزگار محو گردد.

پیمان عدم تجاوز با آمریکا؛ از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم صهیونیستی به درستی موجودیت خود را در خطر دیده است. به همین دلیل، تمام توان خود را برای سقوط نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است. از این روت‌زمانی که رژیم نامشروع و جناحی‌تر صهیونیستی برجاست، تهدید علیه ایران نیز پابرجا خواهد بود و امنیت ایران در نابودی رژیم نامشروع صهیونیستی است.

علاوه بر این، مقامات ارشد ایران بارها تجربه کرده‌اند که آمریکا ذاتاً غیرقابل اعتماد است. آخرین تجربه بدعهدی آمریکا، نقض تعهداتش در توافقنامه‌هایی همچون برجام است که پیش روی مردم قرار دارد؛ بنابراین، انعقاد پیمان عدم تجاوز و رژیم صهیونیستی و پایگاه‌های آمریکا در منطقه، امری غیرممکن است. تعامل اقتصادی با آمریکا؛ در کنار دیگر پیشنهادهات عجیب ظریف، درخواست تعامل اقتصادی دو جانبه با آمریکایی‌هایی مطرح شده است که سارق اموال ۵۰ساله مردم ایران است! در شرایط تحریم‌های حداکثری، این پیشنهاد را باید «نرمش در برابر دشمن» و بلکه خیانت تعبیر کرد؛ خیانتی که می‌کوشد با طرح مسائل اقتصادی، انگیزه مردم برای مقاومت را کاهش دهد.

در شرایط کنونی، انتشار چنین اظهاراتی را باید به مثابه موشک‌هایی دانست که اذهان عمومی را هدف گرفته‌اند. دستگاه‌های امنیتی و قوه قضائیه موظف‌اند بدون هیچ اغماضی به این موضوع ورود کنند که این امر، خواست افکار عمومی و تجمع‌ات میدانی است.

منتقل کند! با همین تفکر، دوران ۸ساله دولت آقای روحانی و شما، به دوران کارشکنی‌های فراوان علیه قدرت دفاعی ایران تبدیل شد. به قول شهید مظلوم سردار امیرعلی حاجی‌زاده: «دولت آقای روحانی، به مجموعه نظامی کشور نه تنها هیچ کمکی نمی‌شد بلکه سد بزرگی جلوی ما ایجادشده بود!» اسال‌ها اقتصاد و معیشت مردم را برجام موهوم گره‌زدید و سعی در تضعیف اهرم‌های قدرت ایران کردید. حال به جلو فراری می‌کنید؟!

ب- بر دوگانه مغالطه‌آمیز «موشک-مردم» اصرار داشتید؛ «موشک بسیار مهم است اما مردم مهم‌تر هستند». با همین گفتم قدرت ما، مردم است. نه توان دفاعی! امروز هم می‌گوییم، باز هم خواهیم گفت». هم‌زمان با شما، ترامپ جنایت کار تر چمان شفاف این دوگانه مشکوک را صراحتاً بر زبان می‌آورد: «ایران باید ساخت موشک‌های میان برد و دور برد را متوقف کند: تمام صنایع طراحی و تولید موشکی را تعطیل کند!»

ج- با القای دوگانه جعلی «مردم-مسئولان» به دروغ گفتید «اگر جنگ شود برای یکی از شما مقامات حاکمیتی ایران اتفاقی نخواهد افتاد! اولی که بمب‌بی خود مردم ایران‌اند: اتفاق دیگری نمی‌افتد.» در این روزها که جان‌نمردانه همه‌جود حمله قرار گرفتیم و بسیاری از عالی‌ترین مقامات را در کنار مردم شریف‌از دست دادیم، آیا احساس شرم نمی‌کنید؟!

د- با ساختن دوگانه دروغین «مقاومت-نابودی» برای القای ضعف سیستم نظامی کشور و بی‌فایده بودن تقویت آن، گفتید: «آیا شما فکر کرده‌اید آمریکا با یک دیکم با یک بمبش می‌تواند تمام سیستم‌های نظامی ما را از کار ببندازد، از سیستم نظامی ما می‌ترسد؟» خوب است این روزها به آمریکا یاری برسانید: عاجزانه از شما آدرس آن دکمه‌رامی‌طلبید!

۵- جناب آقای ظریف آمریکا یک جود موهودی و تمدنی تمام‌عیار را با هدف بلعیدن ایران و تغییر موازنه‌تقوا در خاورمیانه به راه‌انداخته. وادادگی، نه تنها به نبرد خاتمه نخواهد داد، بلکه مقدمه‌ای بر فزای بعدی فشارها و مطالبات تازه در باره سایر برگ‌های برنده و اهرم‌های قدرت ایران هم‌چون موشک، پهپاد و نفوذ منطقه‌ای خواهد شد. امثال جنابعالی هم‌چنان در برز بنی تمدن سلطه‌گر و چپاول‌گر غربی و نظم متعارف استکبار به تصلب و تعصب ذهنی دچار شده‌اید. کلام آخر:

جناب آقای ظریف! جناب عالی صلاحیت اظهار نظر در زمینه اهرم‌های قدرت ایران اسلامی و معامله‌را ن‌انداید. دست‌از ساختن دوگانه‌های جعلی و سوءاستفاده از کلمه زیبای مردم بردارید؛ چراکه اساساً صلاحیت اظهار نظر بری مردم اهرم‌های قدرت مردم شریف ایران و معامله را ن‌انداید! اما راه‌خیر شما امید نیست!

سیگنال ظریف به ترامپ

یادداشت محمد جواد ظریف در فارین افرز را نباید صرفاً یک مقاله تحلیلی دید: این متن، بیش از هر چیز، یک سیگنال سیاسی است. سیگنالی از سوی همان جریان روحانی-ظریف به ترامپ و حلقه سیاست خارجی او که

می‌گوید معامله با ما باز است.

اهمیت ماجرا فقط در محتوای متن نیست، بلکه در محل انتشار آن هم هست. وقتی چنین متنی نه‌در فضای عمومی فارسی، بلکه در فارین افرز منتشر می‌شود، مخاطب اصلی اش افکار عمومی ایران نیست؛ مخاطب آن نخبگان امنیتی، دیپلماتیک و تصمیم‌گیر در واشنگتن‌اند. به بیان روشن‌تر، این یادداشت را می‌توان نوعی سیگنال از سوی همان جریان روحانی-ظریف به نایم ترامپ دانست؛ اگر با ما معامله کنید، هنوز امکان یک توافق بزرگ وجود دارد. خود فارین افرز مقاله را با عنوان «چگونه ایران باید به جنگ پایان دهد» منتشر کرده و محتوای آن نشان می‌دهند که بسته پیشنهادهی ظریف شامل محدودسازی برنامه هسته‌ای، کاهش ذخایر اورانیوم، بازگشایی تنگه هرمز و پذیرش یک پیمان عدم تعرض با آمریکا در برابر رفع تحریم‌ها و بازگشت ایران به اقتصاد جهانی است.

مسئله اصلی دقیقاً از همین جا آغاز می‌شود. این متن بازبانی نرم و دیپلماتیک، در عمل از معامله بر سر مهم‌ترین دارایی‌های راهبردی ایران سخن می‌گوید. بی‌آنکه روشن کند طرف مقابل دقیقاً چه چیزی، با چه سازوکار حقوقی، در چه بازه زمانی و با چه ضمانت اجرائی روی میز می‌گذارد. در شرایطی که ایران دست برتر را دارد، با آمریکا به توافقی دست یابد تا «پیروزی» اعلام شود. ۲. محدودیت‌هایی بر برنامه هسته‌ای ایران در ازای رفع تحریم‌ها و بازگشایی تنگه هرمز اعمال گردد. ۳. پیمان عدم تجاوز دو جانبه‌ای منعقد شود تا از حمله مجدد جلوگیری به عمل آید.

ضعف مردم‌یادداشت، عدم تقارن آشکار در ساختار معامله است. آنچه ایران باید بدهد، روشن، عینی و عمدتاً غیرقابل بازگشت در کوتاه‌مدت است؛ محدودیت هسته‌ای، کاهش ذخایر، باز کردن هرمز و پذیرش عدم تعرض؛ اما آنچه آمریکا باید بدهد، عمدتاً سیاسی است؛ قابل تفسیر و بازگشت‌پذیر است. این عدم تقارن فقط یک اشکال فنی نیست، بلکه هسته سخن‌ان است. تجربه برجام نیز نشان داد که در ساختار قدرت آمریکا، منافع اقتصادی ایران می‌تواند به آسانی با تأخیر، تفسیر محدود، فشار بانکی، تهدید ثانویه یا تغییر دولت بی‌اثر شود. در چنین شرایطی، پیشنهاد دادن امتیازهای سخت و راهبردی در برابر وعده‌های اقتصادی مبهم، بیشتر شبیه پیش فروش ابزارهای بازازاندگی است تا طراحی یک صلح پایدار. برجام هم با وجود قطعنامه ۲۲۳ شورای امنیت، در نهایت با خروج آمریکا و بازگشت تحریم‌ها ضربه خورد؛ یعنی حتی وجود یک چارچوب رسمی بین‌المللی هم مانع از فرسایش منافع ایران نشد. از این منظر، یادداشت ظریف امتداد همان منطق قدیمی سیاست خارجی دولت روحانی است؛ این تصور که اگر ایران بخشی از ظرفیت‌های راهبردی خود را روی میز بگذارد، آمریکا نیز در برابر آن «عقلانی» رفتار خواهد کرد و راه‌ادغام اقتصادی ایران را باز خواهد نمود؛ اما این فرض، دست کم در سطح تحلیلی، از یک واقعیت مهم غفلت می‌کند: مسئله واشنگتن و با نهران فقط سطح غنی‌سازی و وضعیت تنگه هرمز نیست. نطقی که در مهمی از منازعه، به مهار ساختاری ایران، محدودسازی توان منطقه‌ای آن و تغییر موازنه‌تقوا در خاورمیانه مربوط است. در چنین شرایطی، اگر ایران اهرم‌های هسته‌ای و ژئوپولیتیکی خود را بدون تضمین‌های سخت و واگذار کند، تبعید است؛ نترغ پایان یابد؛ محتمل‌تر آن است که فقط با بعدی فشار آغاز شود، با مطالبات تازه در باره موشک، پهپاد، نفوذ منطقه‌ای و آرایش فتنه‌پیشنهادهای امنیتی و راهبردی. این امر، تهدید نیز در همین چارچوب، بیش از آنکه یک ابتکار راهبردی پخته باشد، یک عبارت خوش‌صدا اما تک‌ریمف است. پیمان عدم تعرض زمانی معنادار است که با میان دو طرف نوعی توازن بازازاندگی برقرار باشد. با دست کم سازوکار‌های لوری، تضمین، هزینه‌نقش و چارچوب نظارتی روشن شده باشد؛ اما در صورت‌بندی فعلی تا جایی که از خلاصه‌های موجود برمی‌آید، فقط از اصل پیمان سخن رفته و نه از معماری اجرائی آن. این یعنی مشکل اصلی، یعنی بی‌اعتمادی ساختاری، بایک و واژه حقوقی حل‌نشده باقی می‌ماند. اگر طرف مقابل سابقه خروج از توافق، تخریب منافع اقتصادی طرف دیگر، بازوردن جزئی تعهدات سیاسی را دارد، افزودن عنوان «پیمان عدم تعرض» به خودی‌خود هیچ ضمانتی ایجاد نمی‌کند.

موضع قدرت و مقاومت پیش رفته، به دستاوردهای تاریخی رسیده است. این تجربه از شکست دانش‌تاشکست محاصره اقتصادی پیش‌چشم‌ماست. ظریف در پایان یادداشت خود می‌نویسد: «این جنگ، هر چند هم که حسرتناک باشد، در براری یک توافق پایدار باز کرده‌است»؛ اما او در اشتباه است. این جنگ، در براری این نظم جدید پایدار باز کرده‌است. نطقی که در آن آمریکا نقشیتی تعیین‌کننده ندارد و ایران به جایگاه واقعی خود در معادلات امنیتی و اقتصادی غرب آسیا دست یافته‌است. آنچه ایران به‌آن نیاز دارد، نه بازگشت به گذشته و نه معامله با آمریکایی که به هیچ توافقی پایبند نمانده، بلکه درک عمیق جهان جدید و مشارکت فعال در ساختن آن است. فرصت بی‌ظنری پیش‌آمده تا ایران بدون حضور مزاحم آمریکایی‌ها، نظم امنیتی و اقتصادی منطقه را بر اساس منافع خود طراحی کند. از دست دادن این فرصت تاریخی، به بهانه صلح طلبی و واقع‌بینی کاذب، خیانتی بزرگ به ملت ایران و آینده فرزندان این سرزمین خواهد بود.
رابطه‌های گذشته که ظریف می‌گوید، «به‌بهترین شکل کسانای را صلح می‌کنند به یاد می‌آورد»؛ اما صلح واقعی، صلح مبتنی بر عزت، قدرت و بازازاندگی است نه صلح مبتنی بر عقب‌نشینی و بازگشت به وضعیتی که دیگر وجود ندارد. جهان جدید را باید فهمید و اکنون وقت آن رسیده که جهان جدید خود را بسازیم.

متحده عملاً به روی ایران بسته شده است.» اومی خواهد این «طنز» را با مذاکره و اجازه‌خواهی از آمریکا حل کند؛ اما راه‌حل درست، پایان دادن به این وضعیت از طریق تولید قدرت و تغییر موازنه‌است. جهان نظم‌های موازی است. چین، روسیه و قدرت‌های نوظهور، نشنه امنیت‌انری هستند و این‌ها در حال خروج از غرب آسیا است و این خروج، چه از طریق توافق صورت همان‌گونه که خود ظریف ادعا می‌دارد: «چین و روسیه همراه با ایران و ایالات متحده می‌توانند به ایجاد یک کنسرسیوم غنی‌سازی سوخت با مشارکت ایران و همسایگان علاقه‌مند در خلیج فارس کمک کنند»؛ اما تفاوت در این است که این نظم باید بدون هژمونی آمریکا و راهبردی ایران شکل بگیرد.

فرصت تاریخی کوتاه کردن دست آمریکا از منطقه

ظریف می‌نویسد که «ایرانیان علاقه کمی به صحبت با مقامات آمریکایی دارند که بارها به آنها خیانت کرده‌اند» و این دیدگاه را «قابل درک» می‌داند. اما سپس نتیجه می‌گیرد که «اگر جمهوری اسلامی بتواند جنگ را زودتر از موعد به پایان برساند، وضعیت بهتری خواهد داشت.» این تناقض آشکار است. آنچه ایران به‌آن نیاز دارد، نه پایان زود هنگام جنگ از سرخستگی که ادامه‌مسیر قدرت‌سازی و کوتاه کردن کامل دست آمریکا از منطقه است. تجربه نشان داده که هرگاه ایران از موضع مسامحه مذاکره کرده، ضرر کرده است؛ و هرگاه از

گذاشت.» اگر این حقیقت دارد، چرا باید با همان آمریکایی بی اعتماد «پیمان عدم تجاوز» بست؟ مگر تجربه خروج از برجام، ترور سردار شهید قاسم سلیمانی، دورتم‌به تجاوز به میزمذاکره صلح چوپانه و «کمین فشار حداکثری» کافی نبوده‌است آنچه ظریف از درک آن عاجز است؛ این حقیقت ساده‌است که آمریکا در حال خروج از غرب آسیا است و این خروج، چه از طریق توافق صورت بگیرد چه از طریق شکست نظامی، برگشت‌ناپذیر است. در چنین جهانی، وظیفه راهبردی جمهوری اسلامی ایران، بازگرداندن وضعیت به قبل از جنگ نیست؛ بلکه مشارکت فعال در شکل‌دهی به نظم امنیتی و اقتصادی جدید منطقه است که با اراده جمهوری اسلامی ایران و به‌واسطه مشارکت کشورهای منطقه صورت‌پذیرد. ایران بیش از این نیز پیشنهادهایی مانند طرح صلح تنگه هرمز در سال ۲۰۱۹ و «ترتیب‌ات امنیتی منطقه‌ای مبتنی بر قطعنامه ۵۹۸» را مطرح کرده‌بود. چنانکه خود ظریف هم اشاره می‌کند؛ اما این پیشنهادها در چارچوب همکاری با آمریکا طراحی شده بودند. اکنون زمان آن رسیده که این ترتیب‌ات بدون حضور آمریکا و با محوریت ایران با تعریف شوند.

ترسیم نظم جدید امنیتی و اقتصادی

ظریف می‌نویسد: «بزرگ‌ترین طنز جغرافی‌ای این است که اگرچه تنگه هرمز با خاک ایران هم‌جز است، اما اسال هاست که به دلیل تحریم‌های ایالات